

## بررسی تطبیقی مصداق «اہل بیت» در آیه تطهیر از منظر مفسران فرقین \*

□ سید حسن محمدی \*\*

### چکیده

یکی از بزنگاه‌های مورد اختلاف فرقین، تعیین مصداق اهل بیت در آیه تطهیر می‌باشد. با توجه به نقش اساسی این فراز از آیه ۳۳ سوره احزاب، در حوزه اعتقادی فرقین، پژوهشگر با واکاوی مفاهیم به کار رفته در آیه و ارتباط لفظی و سیاقی میان آن‌ها و هم‌چنین بیان دیدگاه مفسران فرقین، مفهوم اصلی و واقعی اهل بیت در آیه تطهیر را شناسایی می‌کند. از میان مفسران اهل سنت، برخی از آن‌ها مصداق اهل بیت را فقط در بستگان سبیل پیامبر یعنی زنان پیامبر<sup>۶</sup> معنا کرده‌اند و برخی دیگر مصداق آن را علاوه بر زنان، پنج تن آل عبا (پیامبر اسلام<sup>۶</sup> علی، فاطمه، حسن و حسین<sup>۷</sup>) می‌دانند. اما مفسران شیعه و برخی از مفسران اهل سنت قائل اند که مراد از اهل بیت فقط پنج تن آل عبا هستند و لا غیر. با بررسی انجام گرفته، دلایل مفسران فرقین را می‌توان در سه محور روایی، ادبی و سیاقی تقسیم کرد. آن‌ها با استناد به روایات اسلامی، عایشه و عکرمه و نیز بررسی مفهوم اهل بیت و ضمائر به کار رفته در آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب و هم‌چنین وحدت و عدم وجود آیه تطهیر با آیات قبل و بعد، اقوال خود را پایه‌ریزی کرده‌اند. کلیدواژه‌ها: آیه تطهیر، اهل بیت، آل عبا، عصمت.

\*. تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۲/۲۲؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۴/۲۰.

\*\*. دانشجوی دکتری رشته مدرسی معارف اسلامی (گرایش قرآن و متون اسلامی) دانشگاه پامنور قم (s.h.mohammadi@ut.ac.ir)

یکی از مباحث مورد اختلاف فرقین، تعیین مصداق "أهل بیت<sup>۸</sup>" در آیه ۳۳ سوره احزاب می‌باشد. از آنجا که این فراز از آیه نقش محوری در تبیین و إثبات مباحث کلیدی و معرفتی در حوزه اعتقادات شیعی یعنی «عصمت» أهل بیت<sup>۸</sup> دارد، ضرورت می‌طلبد این واژه را از زوایای گوناگون مورد بررسی قرار دهیم تا مصاديقی که عصمت شامل حال آنها می‌شود را بشناسیم و شعاع گستره معصومین<sup>۸</sup> را در افراد خاصی بجوییم.

هرچند این واژه در قرآن و روایات خصوصاً احادیث نبوی با توجه به موضوعات گوناگون برای مصاديق مختلفی به کار رفته است و همین امر باعث شد تا مفسران فرقین را در معنای واقعی آن در آیه تطهیر دچار مشکل کند. مفسران در مصداق اهل بیت به چند دسته تقسیم می‌شوند. برخی مصدق آن را فقط در بستگان سببی پیامبر یعنی زنان پیامبر<sup>۶</sup> معنا کرده‌اند و برخی دیگر مصدق آن را علاوه بر زنان پیامبر، پنج تن آل عبا (پیامبر اسلام، علی، فاطمه، حسن و حسین) می‌دانند و برخی دیگر قائلند که منظور از اهل بیت، بنی هاشم (آل علی، آل عباس، آل عقیل و آل جعفر) هستند. در این میان برخی از مفسران می‌گویند: مراد از اهل بیت فقط پنج تن آل عبا یعنی پیامبر اسلام، علی، فاطمه، حسن و حسین هستند و لا غير. از این رو پژوهشگر بر آن است تا با واکاوی مفاهیم به کار رفته در آیه و ارتباط لفظی و سیاقی میان آنها و هم‌چنین بیان دیدگاه مفسران فرقین، مفهوم اصلی و واقعی اهل بیت<sup>۸</sup> در آیه تطهیر را شناسایی کند.

## ۱. دیدگاه مفسران اهل تسنن و ادلّه آنان

مفسران اهل تسنن در مورد مصداق اهل بیت در آیه تطهیر بر قول واحدی اتفاق ندارند و در این‌باره بیش از پنج نظر وجود دارد که ما در اینجا تنها به دو قول آنان می‌پردازیم.

### ۱-۱. اهل بیت به معنای آل کسا

این قول که در بین مفسران اهل سنت از شهرت کمتری برخوردار است، مصدق اهل بیت را در خمسه آل عبا یعنی پیامبر اسلام<sup>۶</sup>، امام علی<sup>۷</sup>، فاطمه زهرا<sup>۸</sup>، امام حسن و امام حسین<sup>۹</sup> خلاصه کردند.

از جمله کسانی که قائل به این نظریه هستند حاکم حسکانی صاحب تفسیر شواهد التنزيل لقواعد التفضيل می‌باشد. وی در مورد روایات وارد شده پیرامون مصاديق اهل بیت<sup>۸</sup> در مورد خمسه طیبه، ادعای تواتر نموده است و برای اثبات مدعای خود احادیث مربوط به کسara با طرق مختلف نقل می‌کند که در مجموع ۱۲۰ صفحه از کتاب خود را به ذکر این احادیث اختصاص می‌دهد. هرچند وی در برخی از روایات، "واثلة بن أسعف" و "امسلمه" را از جمله کسانی می‌داند که تحت کسا بودند که این قول با عقل و مبانی فقهی سازگاری ندارد (حسکانی، ۱۳۹۳: ۲۲).

ابی بکر محمد بن عبدالله معروف به ابن‌العربی فقیه مالکی و محدث نامدار اندلس نیز با استناد به روایت "ام سلمه" و "انس بن مالک" قائلند که مصدق اهل بیت خمسه آل عبا هستند (ابن‌العربی، بی‌تا: ۱۵۳/۳).

طبری مفسر بزرگ اهل تسنن در جامع البیان فی تفسیر القرآن که به ام التفاسیر مشهور است به پائزده روایت از طرق مختلف استناد می‌کند که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر پیامبر<sup>۶</sup>، علی<sup>۷</sup>، فاطمه<sup>۸</sup>، حسن و حسین<sup>۹</sup> است. هرچند ایشان در انتهاء با

استناد به روایت عکرمه و با عبارت «قال الآخرون» زنان پیامبر را نیز از مصاديق اهل بیت می داند و در مورد اقوال یاد شده نظری نمی دهد اما به کارگیری این عبارت بیانگر آن است که نظر طبری به خمسه طیبه نزدیکتر باشد (طبری، ۱۴۱۲: ۷۵/۲۲). هم چنین سورآبادی نیز در تفسیر خود بعد از ذکر آیه تطهیر، روایتی از ابوهریره نقل می کند که منظور از اهل بیت در آیه تطهیر، پیامبر اسلام، علی، فاطمه، حسن و حسین می باشند (نیشابوری، ۱۳۸۰: ۳/۱۹۶۸).

## ۲-۱. اهل بیت به معنای زنان پیامبر ۶ و آل کسا

اما قول دوم که مربوط به اکثر مفسران اهل تسنن است؛ مصدق اهل بیت در آیه تطهیر را، بیت شریف پیامبر<sup>6</sup> که محل نزول وحی اند می دانند. در این صورت اهل بیت شامل زنان پیامبر، فرزندان آن حضرت و علی<sup>x</sup> به خاطر نسبت ایشان به حضرت صدیقه طاهره<sup>۷</sup> مصدق اهل بیت است.

در همین راستا مفسران اهل سنت مباحث متعددی را طرح نموده اند. فخر رازی بدون اشاره به اقوال وارد در این آیه، مهم ترین قول در مورد مصدق اهل بیت را زنان پیامبر و خمسه طیبه عنوان می کند. (فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، ۱۴۲۰: ۲۵/۱۶۸) ابن عطیه صاحب تفسیر المحرر الوجيز در ابتدا با استناد به روایت عکرمه مراد از اهل بیت را زنان پیامبر<sup>6</sup> می داند و در ادامه با اشاره به قول دیگر، علاوه بر زنان، خمسه طیبه و بنی هاشم را هم وارد مصدق اهل بیت<sup>۸</sup> می کند (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۴/۳۸۴). بغوی در معالم التنزیل با استناد به روایت عکرمه و سعید بن جبیر از ابن عباس و روایت عایشه منظور از اهل بیت<sup>۹</sup> را زنان پیامبر و خمسه آل عبا معرفی می کند (بغوی، ۱۴۲۰: ۳/۱۳۸). بغدادی هم در ابتدا با استشهاد به روایت سعید بن جبیر از ابن عباس مراد از اهل بیت<sup>۱۰</sup> را به دلیل انصراف معنای «بیت» به بیت پیامبر، نساء النبی معرفی کرده و در ادامه با استناد به روایت عایشه، مصدق اهل بیت را خمسه طیبه دانستند. به نوعی ایشان جمع میان نساء النبی و پنج تن آل عبا را به عنوان مصدق اهل بیت می دانند (بغدادی، ۱۴۱۵: ۳/۴۲۵).

ثعلبی در تفسیر الكشف والبيان عن تفسیر القرآن در مورد مصدق اهل بیت سه قول را بیان می کند: ۱. زنان پیامبر: مستند می کند به روایت عکرمه و سعید بن جبیر از ابن عباس. ۲. خمسه طیبه: مستند می کند به حدیث آل کسا<sup>۱۱</sup>. بنی هاشم: استناد به روایت مربوط به حرمت صدقه به آل علی، آل عباس، آل عقیل و آل جعفر (ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸/۳۶). میبدی در وهله اول با استناد به معنای لغوی اهل بیت مصدق اهل بیت را به زنان پیامبر<sup>6</sup> اختصاص می دهد و برای مدعای خود اشاره به داستان حضرت ابراهیم<sup>x</sup> در قرآن می کند که می فرماید: «رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْيَتِيمِ» منظور از اهل بیت در این آیه همسر حضرت ابراهیم<sup>x</sup> است. وی در ادامه پنج تن آل عبا را با حدیث کسا که از طریق ابوسعید خدری، مجاهد و قتاده نقل شده است تحت مصدق اهل بیت وارد می کند (میبدی، ۱۳۷۱: ۸/۴۶). نخجوانی در الفواتح الإلیه منظور از اهل بیت را در آیه بیت پیامبر یعنی زنان وآل کسا معرفی می کند و علت تذکیر ضمیر را هم به خاطر وجود پیامبر، علی، حسن و حسین مذکور می شود (نخجوانی، ۱۹۹۹: ۲/۱۵۵). ابن جوزی نیز برای مصاديق اهل بیت سه قول ذکر می کند: ۱. زنان پیامبر: با استناد به روایت عکرمه و سعید بن جبیر از ابن عباس. ۲. اهل کسا روایت وارد شده از أم سلمه وغیره. ۳. اهل کسا و زنان پیامبر: به دلیل اینکه زنان و مردان همگی از آل پیامبر هستند و علت تذکیر در ضمیر را هم به خاطر لفظ «أهل» می داند که به صورت مذکر ذکر شد و گرنه اگر آیه فقط زنان پیامبر را شامل می شد می بایست ضمیر را به صورت مونث می آوردند (ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳/۴۶۳).

روایت ابن عباس که از چند طریق نقل شده است مصدق اهل بیت را فقط در زنان پیامبر دانسته است (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵/۱۹۸). چنان‌که در تفسیر جلالین نیز اهل بیت را فقط به نساء النبی اختصاص داده است (سیوطی، ۱۴۱۶: ۱/۴۲۶). هرچند وی در ادامه به روایات مختص آل عبا نیز اشاره می‌کند. ثعالبی در تفسیر جواهر الحسان طبق نظر جمهور، مصدق اهل بیت را پنج تن آل عبا می‌داند و در ادامه با استناد به روایت ابن عباس همسران پیامبر را به خاطر خطاب آیه به زنان پیامبر، داخل در مصدق اهل بیت می‌کند (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۴/۳۴۶). نیشابوری در تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، مصادیق اهل بیت را با توجه به تفسیر آیه مباھله به پیامبر<sup>6</sup>، فاطمه<sup>۷</sup>، حسن و حسین<sup>۸</sup> اختصاص می‌دهد و علی<sup>۹</sup> را از باب معاشرتش با حضرت فاطمه<sup>۱۰</sup> و ملازمتش با پیامبر<sup>۶</sup> به آنها اضافه می‌کند و حتی نسبت به آن ادعای اجماع می‌کند و در ادامه دخول زنان پیامبر را از باب ظن مطرح می‌کند (نیشابوری، ۱۴۱۶: ۵/۴۶۰). بیضاوی معتقد است که اهل بیت را با توجه به سیاق آیه و ادله ابن کثیر مبنی بر شان نزول آیه می‌توان به زنان پیامبر اختصاص داد و خمسه آل عبا را با توجه به روایات منقول داخل نمود و علت ضمیر مذکور در «عنکم» و «یطهرکم» را از باب تغییب دانسته است (طنطاوی، بی‌تا: ۱۱/۲۰۸).

بنابر مباحث ذکر شده ادله مفسران اهل سنت را به شمول مصدق اهل بیت به خمسه آل عبا اتفاق نظر دارند و سایر افراد را توسط ادله دیگر به اثبات می‌رسانند. به طور کلی ادله اهل سنت را می‌توان در سه بخش روایی، سیاق و ادبی تبیین کرد. هرچند برخی از این دلائل به یک قسمت از نظریه آنها اشاره می‌کند ولی آنها با در نظر گرفتن مجموع ادله قادر به جمع بین خمسه آل عبا و زوجات النبی شدند.

### الف) دلیل روایی

مهم‌ترین دلیل مفسران اهل تسنن روایت عکرم و سعید بن جبیر از ابن عباس است که مصدق اهل بیت را تنها در زنان پیامبر<sup>6</sup> می‌داند. محدثان اهل تسنن می‌گویند: عکرم در بازار راه می‌رفته و آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرَّجُسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطْهِرُكُمْ تَطْهِيرًا» را رقائیت کرده می‌گفت: «لَيْسَ الَّذِي تَذَهَّبُونَ إِلَيْهِ، انْمَا هَوْفِي أَزْوَاجُ النَّبِيِّ<sup>۶</sup> خاصَّةٌ؛ ای مردم! منظور از اهل بیت در این آیه، فقط زنان پیغمبر است و بس» (طبری، ۱۴۱۲: ۸/۲۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵/۳۶. قاسمی، ۱۴۱۸: ۸/۶۸؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۴/۳۸۴، بغری، ۱۴۲۰: ۳/۶۳۸؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۳/۴۲۵؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸/۳۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۳/۴۶۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۹/۳۱۳۰؛ ابو حیان، ۱۴۲۰: ۸/۴۷۹ و ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۱/۲۴۸). از سعید بن جبیر نقل می‌کنند که در مورد نزول آیه تطهیر این چنین می‌گوید: «انَّهَا نَزَّلَتْ فِي نِسَاءِ النَّبِيِّ؛ این آیه در شان همسران پیامبر نازل شده است» (السمعانی، ۱۴۱۸: ۴/۲۸۰).

### ب) دلیل سیاق

دلیل دیگر مفسران اهل تسنن، مسئله رعایت وحدت سیاق آیاتی است که آیه تطهیر را در بر گرفته‌اند. آنها می‌گویند: آیه‌ای که شان نزول آن در مورد زنان پیامبر<sup>6</sup> است چطور ممکن است مصدق اهل بیت شامل حال آنها نشود، در حالی که خانه عایشه و ام‌سلمه موطن وحی‌الله‌ی است و وحی در منزل آنها اتفاق افتاده است. پس اینان خاندان وحی و نبوت هستند. از این رو آنان با استناد سیاق آیات، همسران پیامبر را نیز داخل در اهل بیت می‌کنند و تطهیر از رجس و پلیدی را شامل حال آنها می‌دانند و از

طرفی روایات مربوط به شأن نزول آیه که اشاره به خسمهٔ آل عبا می‌کند را نص صدیق می‌دانند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۶۵/۶؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۶۸؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۲۰۸/۱۱).

بیضاوی هم تخصیص آیه به اصحاب کسا را مناسب قبل و بعد آیه نمی‌داند و احادیث مربوط به شأن نزول آیه نیز چنین اختصاصی را رد می‌کند (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۳/۴).

### (ج) دلیل ادبی

تفسران اهل تسنن برای اینکه زنان پیامبر<sup>6</sup> را از مصاديق اهل بیت معرفی کنند، ابتدا واژه اهل بیت را معناشناصی کردند و آن را به همه کسانی که نوعی علاقه و رابطه خویشاوندی و ناگسستنی داشته باشند، به طوری که از لحاظ عرف، همگی آنها می‌توانند در یک بیت واحد ساکن شوند، معنا کردن. بنابراین، اهل بیت در آیه تطهیر ابتدا زنان پیامبر<sup>6</sup> را شامل می‌شود و بعد اهل کسا را (آل‌وسی، ۱۴۱۵: ۱۹۹/۱۱).

هم‌چنین آنان برای به کارگیری ضمائر مذکور در آیه (عنگم و يظهرُّم) با تممسک به قواعد ادبیات عرب، علت مذکور آوردن ضمائر را از باب تغليب مطرح کردند و گفتند: چون در میان اهل بیت، پیامبر، علی و فرزندان علی یعنی حسن و حسین وجود دارند لذا ضمائر موجود در آیه از باب غلبه نسبت به حضرت فاطمه<sup>ؑ</sup> و زنان پیامبر به صورت مذکور آورده شده است. از طرفی در عرف فصحاً نیز عدول از خطاب به غیر و بازگشت مجدد به خطاب در محاورات آنان بسیار فراوان است و هم‌چنین این‌گونه عدول در قرآن کریم و اشعار عرب نیز زیاد دیده می‌شود (خسروانی، ۱۳۹۰: ۳۲/۷؛ ثقفى تهرانی، ۱۳۹۸: ۳۲۱/۴).

برخی نیز ضمیر «كُم» در هر دو مورد را به خاطر لفظ مذکور «أهل»، جایگزین و به معنای «كُن» می‌دانند و بیان می‌کنند که در ادبیات قرآنی و عربی، به کارگیری صیغه‌های مذکور به جای مونث، برای رعایت لفظ فراوان یافت می‌شود (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳۶۵/۶؛ ۱۴۱۰: ۳۳۲/۲). از طرفی سیاق آیات قبل و بعد این آیه در مورد زنان پیغمبر است و این آیه در بین آن قرار گرفته است.

## ۲. دیدگاه مفسران شیعه و أدله آنان

همه مفسران شیعه بالاجماع اتفاق دارند مصداق اهل بیت در آیه تطهیر خمسه طبیه یعنی پیامبر<sup>6</sup>، علی<sup>ؑ</sup>، فاطمه<sup>ؑ</sup>، و حسین<sup>ؑ</sup> می‌باشند و بر ادعای خود دلایل روایی، متى و محتواهی ذکر نموده‌اند.

### ۱-۲. دلیل روایی

تفسران شیعه قائل‌اند، این فراز از آیه با سطرو ذیل آن در شأن نزول متفاوت است به گونه‌ای که شروع آیه مربوط به زنان پیغمبر و بعد از آن، آیه تطهیر وارد شد و سپس آیه مجددًا زنان پیامبر را مورد خطاب قرار داد. آنان برای اثبات مدعای خود روایات فراوانی از طرق مختلف نقل می‌کنند که بیشتر آنها در منابع اهل تسنن موجود است (فرات کوفی، ۱۴۱۰: ۳۳۲؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲/۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۷۴/۱۰؛ کرمی حوزی، ۱۴۰۲: ۲۹۴/۶؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۸۴/۷؛ عروسی حوزی، ۱۴۱۵: ۲۷۰/۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸: ۴۱۷/۱۵؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۳۷۱/۵؛ طرسی، ۱۳۷۲: ۵۵۹). تعداد این روایات را بیش از هفتاد حدیث ذکر می‌کنند که اهل تسنن از طریق ام‌سلمه، عایشه، ابی سعید خدری، سعد، والثة بن الاسقع، ابوالحرماء، ابن عباس، ثوبان

غلام آزاد شده رسول خدا<sup>6</sup>، عبدالله بن جعفر، امام علی و امام حسن<sup>1</sup> که تقریباً چهل طریق است روایت کرده‌اند. و شیعه آن را از حضرت علی، امام سجاد، امام باقر، امام صادق و امام رضا<sup>8</sup> و از امّ سلمه، ابوذر، ابولیلی، ابوالاسود دؤلی، عمرو بن میمون اودی و سعدبن ابی وقار، با بیش از سی طریق نقل کرده‌اند روایت می‌کنند (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۱/۱۶؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۴۴۴/۱۰).

طبق روایت واردہ در منابع تفسیری و روایی فرقین، این آیه در خانه امّ سلمه همسر پیامبر<sup>6</sup>، نازل شده است و هنگام نزول آن علاوه بر پیامبر اکرم<sup>6</sup>، علی، فاطمه، حسن و حسین<sup>8</sup> نیز حاضر بوده‌اند. در این هنگام پیامبر، پارچه‌ای خیری (کسا) را که بر آن نشسته بود، بر روی خود، علی، فاطمه و حسین کشید و دست‌های آسمان بالا برد و گفت: «خدایا! اهل‌بیت من این چهار نفرند، اینان را از هر پلیدی پاک گردان». امّ سلمه از پیامبر پرسید که آیا او در شمار اهل‌بیت مذکور در این آیه قرار دارد، پاسخ پیامبر این بود که تو از همسران رسول خدایی و تو (برراه) خیر هستی (واحدی، ۱۴۱۱: ۱۸۸).<sup>(۱)</sup> و حتی پیامبر<sup>6</sup> برای رفع هرجونه شک و شبّه درباره مصدق اهل‌بیت، این جریان را به صورت عملی به اجرا گذاشتند. پیامبر به مدت شش ماه و طبق برخی نقل‌ها نه ماه هنگامی که برای نماز از خانه خویش بیرون می‌رفتند به در خانه فاطمه می‌آمدند و می‌گفتند: «الصلوة، إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسُ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيَطَهِّرُكُمْ تَطْهِيرًا» (طبری، ۱۴۱۲: ۲۲/۵؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۵/۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۹۹؛ بحرانی، ۳۲۴/۳). هم‌چنین پیامبر<sup>6</sup> در یک روایتی مصدق اهل‌بیت را به صورت عینی بیان می‌کنند و می‌فرمایند: این آیه (تطهیر) درباره پنج نفر: من و علی و حسن و حسین و فاطمه نازل شده است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶/۳۶۸؛ طبری، ۱۴۱۲: ۵/۲۲؛ حسکانی، ۱۳۹۳: ۲/۱۳۶؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲: ۸/۴۲؛ نیشابوری، ۱۳۴۲: ۲/۴۱). از طرفی اهل‌بیت<sup>8</sup> نیز این آیه را فضیلتی برای خودشان می‌دانستند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۶/۳۷؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۱/۴۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۵۴۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۸/۲۸۳). حتی در مناشدات خود از آن استفاده می‌کردند (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲/۵۴۹). مانند خطبه امام حسن<sup>8</sup> بعد از شهادت امیر المؤمنین<sup>8</sup> که فرمودند: «ای اهل عراق، درباره ما تقوای پیشه کنید که ما امراء، مهمان سرزمین شما و اهل‌بیت کسی هستیم که خداوند در شان ما فرمود: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيذْهَبَ عَنْكُمْ ...» (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۹/۳۱۲؛ حسکانی، ۱۳۹۳: ۲/۳۱؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۳/۴۹۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۴/۳۴۷). در حالی که هیچ‌کدام از همسران پیامبر این‌گونه به آیه تطهیر نگاه نمی‌کردند.

## ۲-۲. دلیل عدم سیاق

یکی دیگر از دلایل مفسران شیعه در تخصیص مصدق اهل‌بیت به خمسه آل عبا، نبود وحدت سیاقی بین آیه تطهیر و آیات قبل و بعد آن است. زیرا اولاً میان این آیه و آیات قبل و بعد، هیچ‌گونه پیوستگی بین شان برقرار نیست. ثانیاً لحن آیه تطهیر مدرج و تمجد اهل‌بیت است، درحالی که لحن آیات قبل و بعد که اختصاص به زنان پیامبر دارد، توأم با توییخ و سرزنش است. ثالثاً این از عادت فصحا است که در کلام خود از یک خطاب به خطاب دیگر روند و دوباره به آن خطاب اولی برگردند، قرآن کریم مملو از این موارد است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵۶۰).

هم‌چنین برخی از مفسران شیعی می‌گویند: این آیه به صورت جداگانه و مستقل در اوایل هجرت نازل شده است و پیامبر<sup>6</sup> آن را بر آن عده‌ای از اهل‌بیت که موجود بودند منطبق می‌کردند. سپس که حسین<sup>1</sup> به دنیا آمدند، آنان را زیر پارچه (کسا) جمع می‌کرد و این آیه را می‌خواندند. ظاهراً این کار پیامبر<sup>6</sup> بارها تکرار شده است (عاملی، ۱۳۷۹: ۷۴).

## ۳-۲ دلیل ادبی

تفسران شیعه با واکاوی مفاهیم و کلمات به کار رفته در آیه و بررسی ادبی آنها، به انحصار مصاديق اهل بیت در افراد خاص استدلال کردن.

آنها ابتدا با بررسی لغوی و اصطلاحی مفهوم اهل بیت دریافتند که مصدق این واژه نمی‌تواند شامل حال زنان پیامبر و بنی‌هاشم (آل علی، آل عباس، آل عقیل و آل جعفر) باشد، بلکه مراد از اهل بیت منحصر در پنج تن آل عبا است. چرا که «أهل بیت» مرکب از دو کمله «أهل» و «بیت» است و واژه «أهل» در لغت به معنای شایسته و سزاوار (ابراهیم مصطفی و سایرین، ۱۴۲۶: ۳۱) معنا شده است. چنانچه این واژه به چیزی یا شخصی اضافه شود، معنای دیگری به خود می‌گیرد. از این‌رو با اضافه شدن «أهل» به «بیت» به ساکنان خانه، خویشان و کسانی که پیوند نسبی دارند معنا می‌شود (فراهیدی، ۱۴۲۴: ۹۶/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹/۱۱). در این صورت اهل بیت شامل زن، فرزند و هر کسی که ساکن خانه هستند می‌شود.

اما اصطلاح اهل بیت در مورد پیامبر<sup>6</sup> علاوه بر معنای لغوی کاربرد دیگری نیز دارد. از آنجایی که بیت آن حضرت محل نزول وحی و بیت نبوت می‌باشد، در اینجا نمی‌توان فقط معنای لغوی را لحاظ کرد، بلکه منظور از اهل بیت افرادی هستند که از نظر علمی و عملی دارای مراتبی هستند که شایسته بیت آن حضرت می‌باشند.

هم‌چنین در نگاه مفسران شیعی واژه «إنما يريده اللہ» از أدات حصر می‌باشد؛ که اثبات مدخل و نفی غیر می‌کند. مثل: «إنما زيد في الدار» یعنی فقط زید در خانه است نه غیر او. یا مثل: «إنما لك عندى درهم» یعنی برای تو نزد من فقط یک درهم است نه بیشتر و نه کمتر (طیب، ۱۳۷۸: ۵۰۱/۱۰؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹: ۴۴۹/۱؛ طوسی، بی‌تا: ۳۰۴/۸. طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۶۰/۸؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۴۴۴/۱۰؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۳۵۵/۸؛ خسروانی، ۱۳۹۰: ۷/۷؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۸۵/۱۰؛ کاشانی، ۱۳۳۶: ۲۸۴/۷؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۲۹۲/۱۷؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۳۷۲/۵؛ فیضی ذکنی، ۱۴۱۷: ۴/۳۳۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۶۰/۸). أما آن‌چه که در آیه محصور شده است دو چیز می‌باشد: الف: انحصار اراده و خواست خدا در بردن و دور کردن پلیدی و تطهیر اهل بیت (إذهاب رجس) ب: انحصار این عصمت و دوری از پلیدی در اهل بیت (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۱۶/۱۶؛ ۳۱۰). از این‌رو اراده خداوند در اینجا باید اراده تکوینی باشد زیرا اراده تشریعی با وجود انحصار در اهل بیت معنایی ندارد چرا که اراده تشریعی در إذهاب رجس نسبت به همه انسان‌ها است و با اکرام و تعظیم اهل بیت منافات دارد (ر.ک: خسروانی، ۱۳۹۰: ۷/۳۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۸۶/۱۰؛ مکارم، ۱۳۷۴: ۲۹۲/۱۷؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۳۷۳/۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۶۰/۸).

## ۴-۲ اولویت و مفهوم موافقت

یکی از دلایلی که مفسران شیعه برای اثبات مدعای خود آورده‌اند، اولویت قطعی و مفهوم موافقت می‌باشد که در این جا بر عصمت اهل بیت دلالت دارد. توضیح مطلب این است که خداوند زنان پیامبر<sup>6</sup> را امر ونهی می‌کند؛ چون کارهای خلاف آنان، آثار منفی در اهل بیت رسالت بر جای خواهد گذاشت. آنچه مهم است اهل بیت هستند و خداوند نمی‌خواهد که کوچک ترین پلیدی به آنان برسد، نه زنان پیامبر؛ اگرچه این پلیدی از کسانی سرزند که با آن خانواده نسبت دارند. این امر شباهت دارد به مردی که دارای عزت و احترام در میان مردمان است و برای ثبیت احترام وی به فرزند یا بستگان او که مرتكب کار ناشایستی می‌شوند تذکر داده می‌شود که از آن کار دست بردارند تا به شهرت و آوازه آن مرد لطمہ ای وارد نشود. در اینجا آن فرزند یا

بستگان آن مرد در دایره اهتمام نیستند چرا که اگر آنان، فرزند یا بستگان آن شخص نبودند به آبرو و شخصیت وی متعرض نمی‌شدند هیچگونه انگیزه‌ای برای امر و یا نهی آنان نبود (ر.ک: عاملی، ۱۳۷۹: ۴۵).

## ۳. نقد و بررسی دیدگاه فریقین

### ۳-۱. بررسی روایی

تفسران شیعه برای اثبات مدعای خود به حدیث معروف کسا استناد کرده‌اند. محدثان فریقین آنقدر این حدیث را در کتاب‌های معتبر خود نقل کرده‌اند که می‌توان ادعای تواتر کرد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۹: ۳۸/۱).

طبری در کتاب دلائل الامامة می‌گوید: «مسلمانان اتفاق نظر دارند که همزمان با نزول آیه تطهیر پیامبر<sup>6</sup>، علی ×، فاطمه ‌، حسن × و حسین × را فراخواند و با کسا آنان را پوشاند و چنین دعا کرد «اللهم هؤلاء أهلی فاذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهير؛ خدا اینان اهل بیت من هستند از آن‌ها پلیدی را دور کن و آن‌ها را پاک گردان» (طبری، ۱۳۸۳: ۲۱).

بنابراین با وجود این همه روایات با طرق مختلف شیعه و اهل سنت نمی‌توان ذره‌ای خدشه به سنديت آن وارد کرد.

اما در مقابل اکثر مفسران اهل تسنن برای اثبات مدعای خود به روایت عکرمه از ابن عباس استناد کرده‌اند و برخی دیگر از مفسران این روایت را از طریق سعید بن جبیر هم نقل کرده‌اند؛ ولی با این وجود، روایت یاد شده هم از لحاظ سندي و هم از لحاظ دلالي مورد نقد و بررسی است.

### ۳-۲. نقد سندي

اولاً) در سلسله سند روایت عکرمه، ابن حمید از یحیی بن واضح، او از اصبع و او از علقمه و او از عکرمه این حدیث را روایت کرده اند در حالی که در منابع رجالی اهل تسنن "ابن حمید" فردی ضعیف خوانده شده است (ذهبی، ۱۴۱۸: ۲/۱۶۶؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: ۶۹/۲).

ثانیاً) اهل تسنن در کتاب‌های رجالی و تراجم خود، عکرمه را فردی کذّاب، کم عقل و از خوارج معرفی کرده‌اند. هرچند این نگاه از منظر برخی از محدثان شیعه رد شده است<sup>(۲)</sup> ولی همین امر در عدم پذیرش ادعای اهل تسنن بر اختصاص آیه تطهیر به زنان پیامبر کفايت می‌کند. ما در این اینجا برای تبیین موضوع، شخصیت عکرمه را در کتب اهل تسنن مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) کذّاب بودن عکرمه: ابن حجر عسقلانی و ذهبی در مورد وی می‌گویند:

جريدة بن عبدالحميد از يزيد بن ابي زياد نقل مي كند که روزی به ديدار علی بن عبدالله بن عباس رفت و عکرمه را ديدم که بر درب نخلستان بسته شده بود، پرسيدم: چرا عکرمه را بسته ای؟ گفت: او بر پدرم دروغ می‌بندد (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۷/۲۳۸؛ ذهبی، ۱۴۱۳: ۵/۵).

عکرمه در نقل روایت آنقدر بر ابن عباس دروغ بست که به خاطر شهرتش در دروغ‌گویی ضربالمثل شده بود؛ قضیه دروغ بستن عکرمه بر ابن عباس بین خواص مشهور بود تا جایی که ضرب المثل شده بود کما اینکه یحیی بن بکاء می‌گوید: از ابن عمر شنیدم که به نافع می‌گفت: از خدا بترس و بر من دروغ نبند همان‌گونه که عکرمه بر ابن عباس دروغ می‌بست (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۷/۲۳).

سعید بن مسیب از فقهای مشهور است که به غلامش می‌گوید: «ای برد مثل عکرمه که بر ابن عباس دروغ می‌بست، تو بر من دروغ نبند» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۳۷؛ ذهبي، ۱۴۱۳: ۲۳/۵).<sup>(۳)</sup>

«مزی» در تهذیب الکمال به صراحت اعلام می‌کند: «فاسد به عثمان بن مرة گفت: ای برادر! عکرمه انسان دروغگوی است. صحیح یک حدیث را نقل می‌کند و غروب از حدیث خود بر می‌گردد» (میری، ۱۴۰۶: ۲۸۶).

ب) خارجی بودن عکرمه: ذهبي هم درباره عکرمه می‌گوید: «گفته شده که عکرمه بر رأی و نظر خوارج بوده است به همین خاطر امام مالک و مسلم از اور روایتی نقل نکرده‌اند» (ذهبي، ۱۳۷۴: ۹۵).

چ) کم عقل بودن عکرمه: ابن حجر عسقلانی و ذهبي از ابی‌الأسود نقل می‌کنند که عکرمه، فردی کم عقل بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴: ۲۳۷؛ ذهبي، ۱۴۱۳: ۲۷/۵).

با این تعاریفی که بزرگان اهل تسنن از عکرمه دارند چطور به روایت عکرمه در مورد اختصاص آیه به نساء النبي می‌توان استشهاد کرد.

## ۲-۱-۳. نقد محتوایی

این حدیث نمی‌تواند درست باشد چون تعداد احادیثی که اهل‌بیت را به خمسه آل عبا تفسیر کردن، آنقدر زیاد است که اگر نگوییم به حد تواتر رسیده<sup>(۴)</sup> لااقل می‌توان گفت این احادیث مستفیض هستند (ر.ک: طباطبائی، ۱۴۱۷: ۳۱۱/۱۶؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۰/۴۴۴). با توجه به این مطلب، روایات مذکور در کتب فریقین بر خبر واحد مقدم می‌شوند و روایت عکرمه و سعید بن جبیر را تحت الشعاع خودش قرار می‌دهد.

## ۲-۲. بررسی سیاق

قرینه وحدت و عدم وحدت سیاق از جمله ادله‌ای است که فریقین برای اثبات مدعای خود بدان استناد کردند. سیاق یکی از قرائن لفظی و متصل به شمار می‌رود. این قرینه در کلامی که از چند جمله تشکیل شده باشد زمانی نقش‌آفرینی می‌کند که بین جملات از لحاظ ظاهری پیوستگی و هم‌چنین از نظر موضوع نیز بین آنها اتحادی برقرار باشد. اما با بررسی صورت گرفته در آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب در می‌یابیم که قبل و بعد آیه تطهیر مربوط به همسران پیامبر است که بالحن سرزنش و توییخ همراه است ولی در آیه تطهیر به مدح و تمجید افرادی که تحت عنوان اهل‌بیت هستند می‌پردازد. و این قول به دیدگاه شیعه نزدیک‌تر است.

## ۳-۳. بررسی ادبی

فریقین با استناد به تغییر رویکرد ضمایر از مونث به مذکر و بررسی ادبی و اژگانی الفاظی همچون "أهل‌بیت" و "إنما" بر مدعای خود استناد کردند. در این میان مفسران اهل‌سنت ابتدا اهل‌بیت را به همه کسانی که نوعی علاقه و رابطه خویشاوندی و ناگسستی داشته باشند معنا کردند و با این معنا زنان پیامبر<sup>6</sup> را نیز از مصاديق اهل‌بیت در آیه تطهیر دانستند در حالی که اهل‌بیت در مورد پیامبر<sup>6</sup> و بیت آن حضرت که محل نزول وحی و بیت نبوت می‌باشد نمی‌تواند معنای عرفی داشته باشد. بلکه منظور از اهل‌بیت طبق گفته مفسران شیعه، افرادی هستند که از لحاظ علمی و عملی دارای درجاتی هستند که شایسته آن مقام شدند و تعیین حد

و حدود آن به دست شارع انجام می‌گیرد. بنابراین برخی از افرادی که جزو ساکنان و خویشاوندانند همچون فرزند نوح<sup>x</sup>، از دایره اهل بیت خارج می‌شوند «... قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكِ...» (هود/ ٤٦) و در مقابل افرادی همچون سلمان فارسی به خاطر کسب مقامات علمی و عملی به جایی رسیده‌اند که پیامبر<sup>۶</sup> در مورد وی می‌فرماید: «سَلَمَانُ مَنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ» (طبری‌سی، ١٣٧٢/ ٤٢٧). از طرفی هر وقت واژه اهل بیت بر لسان پیامبر<sup>۶</sup> همچون حديث ثقلین،<sup>۵</sup> حديث سفینه،<sup>۶</sup> داستان مباھله و ... جاری می‌شود، افراد خاصی که در بالاترین درجه انتساب به بیت نبوت هستند به ذهن انسان متبارد می‌شود.

و نیز مفسران اهل سنت برای توجیه تغییر ضمایر به کار رفته در آیه تطهیر به مسئله تغییر ضمیر مذکور بر مونث استناد کردند تا بدینوسیله حکم إذهاب رجس و تطهیر را هم شامل زنان پیامبر<sup>۶</sup> کنند. در حالی که این مسئله باعث می‌شود احکام به کار رفته در آیات ٢٨ تا ٣٤ سوره احزاب که همگی با ضمایر مؤنث به کار رفته مانند نشستن در خانه، عدم تبرج، اطاعت کردن و ... شامل حال مصاديق اهل بیت در آیه تطهیر هم شود که این از محالات است.

هم‌چنین یکی از مواردی که می‌تواند مصدق اهل بیت را در خمسه آل عبا منحصر کرد به کارگیری لفظ "إنما" در آغاز آیه تطهیر می‌باشد. مفسران فریقین واژه "إنما" در این آیه تطهیر را کافه و مکفوفه می‌دانند (صافی، ١٤١٨: ٢٢؛ دعا حمیدان، ١٤٢٥: ٥١؛ درویش، ١٤١٥: ١٠). طبق این نظر لفظ "إنما" برای حصر به کار رفته است و نتیجه حصر، عصمت اهل بیت در آیه است. چرا که روایت ام سلمه و عایشه در مورد حديث کسا بیان‌کننده آن است که عصمت، برگرفته از حصر در اراده تکوینی خدا به اهل بیت است و آن ویژگی افرادی است که عمل به احکام و دوری از گناهان سرلوحو زندگی آنان می‌باشد؛ نه افرادی که با انعام کارهای ناشایست پایه‌های عصمت را در هم کوییدند و بر خلاف نص صریح قرآن عمل کردند. چنان‌که در زمان خلافت امام علی<sup>x</sup> عایشه با عنوان خونخواهی عثمان به همراه برخی از خواص بر علی<sup>x</sup> خروج کردند.

تعلیبی به اسناد خود از مجمع تیمی<sup>(٧)</sup> روایت کرده که روزی با مادرم نزد عایشه رفتیم؛ مادرم به او گفت: دیدی که در روز جمل خروج کردی و از امر الهی که فرموده «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» عدول نمودی عایشه گفت: از قضا و قدر حق تعالی بود. سپس درباره علی<sup>x</sup> از او پرسید او گفت: در مورد محبوب‌ترین مردم و شوهر محبوب‌ترین مردم نزد رسول خدا<sup>۶</sup> سوال کردی. به خدا سوگند من دیدم پیغمبر<sup>۶</sup> علی و فاطمه و حسن و حسین<sup>٨</sup> را در زیر جامه خود جمع کرد و آن جامه را بر سر ایشان کشید و فرمود: «بار خدایا این‌ها اهل بیت و خویشان نزدیک من اند پس پلیدی را از ایشان دور کن و ایشان را پاک و پاکیزه گردان از شوب معصیة» بعد از آن عایشه گفت: من گفتم: «یا رسول الله انا من اهلک» فرمود: «تنحی فانک الى خیر» دور شو که تو بر صفت خیری و نیکو کرداری و اهل بیت من نیستی چه اینها اهل بیت من هستند (تعلیبی نیشابوری، ٤٣/ ٨: ١٤٢٢؛ حسکانی، ١٣٩٣/ ٢؛ بروجردی، ١٣٦٦/ ٥: ٣٥٢). بنابراین، چطور می‌توان چنین فردی که بر علیه خلیفه مسلمین قیام کرد را مشمول حکم و اراده الهی در تطهیر بدانیم؟!

## نتیجه

با توجه به اهمیت این فراز از آیه و نقش محوری آن در تبیین و اثبات مباحث معرفتی در حوزه اعتقادات شیعی یعنی «عصمت» اهل بیت<sup>٨</sup> بررسی‌های صورت‌گرفته در مورد این واژه با رویکرد تفسیری از دیدگاه فریقین در سه محور مورد بررسی قرار گرفت که نتایج ذیل را در بر داشت:

محور اول دلیل روایی: بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که روایت عکرمه که مفسران اهل تسنّن از آن برای مدعای خود بدان استناد کردند، به خاطر حضور افرادی چون "ابن حمید" و "عکرمه" از لحاظ سندي مورد اشکال است؛ چرا که در منابع رجالی اهل تسنّن این افراد مورد تضعیف قرار گرفته‌اند و حتی عکرمه را فردی کذّاب، کم عقل و از خوارج معرفی نموده‌اند. هم‌چنین این روایت به لحاظ دلالی هم دارای اشکال است. چون تعداد أحادیثی که اهل‌بیت را به خمسه آل عبا تفسیر کردند، آن‌قدر زیاد است که برخی ادعای تواتر کرده‌اند. از این‌روایت عکرمه و حتی روایت مروی از سعید بن جبیر را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

محور دوم دلیل سیاق: قرینه سیاق که یکی دیگر از دلایل مفسران اهل سنت بود زمانی کاربرد دارد که، بین جملات از لحاظ ظاهری پیوستگی، و از نظر موضوع وحدت برقرار باشد؛ در حالی که آیات قبل و بعد آیه تطهیر با سرزنش و توبیخ همراه است ولی در آیه تطهیر به مدح و تمجید افرادی که تحت عنوان اهل‌بیت هستند می‌پردازد.

محور سوم دلیل ادبی: طبق نظر مفسران اهل سنت مفهوم "أهل‌بیت" در مورد پیامبر<sup>6</sup> و بیت آن‌حضرت که محل نزول وحی و بیت نبوت می‌باشد سازگاری ندارد؛ بلکه منظور از اهل‌بیت افرادی هستند که از لحاظ علمی و عملی دارای درجاتی هستند که شایسته آن مقام شدن و تعیین حد و حدود آن به دست شارع انجام می‌گیرد. از طرفی آنچه که از مفهوم اهل‌بیت بر لسان پیامبر<sup>6</sup> به ذهن انسان متبادر می‌شود، افراد خاصی هستند که در بالاترین درجه انتساب به بیت نبوت می‌باشند. هم‌چنین مسأله تغییب ضمیر مذکور بر مونث در آیه تطهیر منجر می‌شود تا احکام به کار رفته در آیات ۲۸ تا ۳۴ سوره احزاب که همگی باضمائِ مؤنث به کار رفته است را بر مصاديق اهل‌بیت در آیه تطهیر هم منطبق کرد که این از محالات است. از طرفی واژه "إنما" در آیه تطهیر کافه و مکفوفه است که برای حصر به کار رفته است و نتیجه حصر، عصمت اهل‌بیت را به دنبال دارد. افراد خاص می‌توانند به إراده تکوینی خدا، عمل به احکام و دوری از گناهان را سرلوحه زندگی خود قرار دهند.

## پی‌نوشت‌ها

- (۱). در مورد شان نزول آیه تطهیر می‌توانید رجوع کنید به: بیهقی، ۱۳۴۲؛ ۱۵۰/۲؛ ۱۳۴۴؛ ۴۱۶/۲؛ نیشابوری، ۱۳۴۲؛ ۱۴۱۸؛ آلوسی، ۱۴۱۵/۲۲؛ فرات کوفی، ۱۴۱۰؛ ۳۳۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸؛ ۳۷۴/۱۰؛ کرمی حوزی، ۱۴۰۲/۶؛ ۲۹۴/۶؛ کاشانی، ۱۳۳۶/۷؛ عروسی حوزی، ۱۴۱۵/۴؛ ۲۷۰/۴. ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸/۱۵؛ ۴۱۷/۱۵. کاشانی، ۱۴۲۳/۵؛ ۳۷۱/۵؛ طرسی، ۱۳۷۲/۸؛ قمی، ۱۳۶۷/۲؛ ۱۹۳/۲؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵/۱؛ ۱۹۱/۱؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳/۵؛ ۵۶۱/۲؛ ابن بابویه، ۱۳۹۳/۱؛ ۴۶۹/۱؛ ترمذی، ۱۴۰۱/۵؛ طبری، ۱۴۱۲/۱۰۷/۱۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹/۳؛ ۷۹۹/۳؛ شوشتری، ۱۳۷۷/۱۰۱؛ ۵۵۸-۵۰۱).
- (۲). علامه مجلسی در پاورقی مرآة العقول آورده است: قال الشیخ البهائی & : «عکرمه... فقیه تابعی کان مولی این عباس...» که نشان از عدم جرح وی توسط شیخ بهائی نیز دارد (مجلسی، ۱۴۰۱/۱۳؛ ۲۷۸-۲۷۹).
- (۳). شبیه همین روایت را مزی در تهذیب الکمال آورده است که این عمر به نافع می‌گوید: «همان طور که عکرمه بر این عباس دروغ بست تو بر من دروغ مبند» (مزی، ۱۴۰۶/۱۳؛ ۱۷۳).
- (۴). ابوالفتح رازی ادعا کرده که روایات مربوط به مصدق اهل بیت به آل کسا متواترد (ابوفتوح رازی، ۱۴۰۸/۱۵).
- (۵). «إِنَّى تَارِكٌ فِيْكُمُ الْقَلَّيْنِ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعَزْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي...» (ابن بابویه، ۱۳۷۶/۴۱۵).
- (۶). «إِنَّمَا مَئُلُّ أَهْلَ بَيْتِي فِيْكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةٍ نُوحٍ، مَنْ دَخَلَهَا نَجَّى، وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِّقَ؛ مَثَلٌ أَهْلَ بَيْتٍ مِنْ دِرِّ مِيَانٍ شَمَا كَشْتَنِي نَوْحَ اسْتَ، هُرْ كَسْ بَهْ اِینَ كَشْتَنِي دَاخِلْ شَوْدَ نَجَاتِ مِنْ يَابَدْ، وَهُرْ كَسْ جَاهَ بَمَانَدْ، غَرِّقَ مِنْ شَوْدَ» (حر عاملی، ۱۳۸۵/۲۷؛ ۳۵/۱۳۸۵؛ طوسی، ۱۴۱۴/۶۳۳؛ دیلمی، ۱۳۷۱/۲؛ ۳۰۶؛ ابن بابویه، ۱۳۹۳/۱؛ ۴۶۹/۱؛ همو، ۱۳۷۶؛ ۲۶۹؛ طرسی، ۱۴۰۳/۱؛ ۱۴۹/۱).
- (۷). منظور جمیع بن عمیر تیمی است. ابن حجر در تهذیب نوشه است: به او مجتمع و جامع هم گفته می‌شود.

## كتاباتنا

قرآن كريم.

- آلوسى، سيد محمود، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم، تحقيق: على عبدالبارى عطية، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٥.
- ابن أبي حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: اسعد محمد الطيب، عربستان سعودي، مكتبة نزار مصطفى الباز، ١٤١٩.
- ابن بابويه، محمد بن على، الأمالى، تهران، كتابچى، ١٣٧٦.
- علل الشرائع، قم، انتشارات داورى، ١٣٨٥.
- عيون أخبار الرضا، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٣٩٣.
- كتاب الخصال، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٣.
- ابن جوزى، ابوالفرج عبدالرحمن بن على، زاد المسير فى علم التفسير، تحقيق: عبدالرزاق المهدى، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤٢٢.
- ابن حجر عسقلانى، احمد بن على، تقریب التهذیب، تحقيق: ایمن عرفه، قاهره، مکتبة التوفیقیة، بى تا.
- تهذیب التهذیب، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٤.
- ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر والتّویر، بيروت، مؤسسة التاريخ العربي، ١٤٢٠.
- ابن العربى، محمد بن عبدالله بن ابوبكر، أحكام القرآن، بيروت، دارالجیل، بى تا.
- ابن عطيه اندلسى، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجيز فى تفسیر الكتاب العزيز، تحقيق: عبدالسلام عبدالشافى محمد، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢٢.
- ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسیر القرآن العظيم، تحقيق: محمدحسين شمس الدين، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٩.
- ابوالفتوح رازى، حسين بن على، روض الجنان وروح الجنان فى تفسیر القرآن، تحقيق: محمدجعفر ياحقى و محمدمهدى ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ١٤٠٨.
- ابوحیان، محمد بن يوسف، البحر المحيط فى التفسیر، تحقيق: جميل، صدقى محمد، بيروت، دار الفكر، ١٤٢٠.
- بحرانى، هاشم بن سليمان، البرهان فى تفسیر القرآن، تحقيق: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، قم، مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، ١٤١٥.
- بروجردی، سیدمحمدابراهیم، تفسیر جامع، تهران، صدرا، ١٣٦٦.
- بغدادی، علاء الدين على بن محمد، لباب التأویل في معانی التنزیل، تصحیح: محمدعلی شاهین، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٥.
- بغوى، حسين بن مسعود، معالم التنزیل في تفسیر القرآن، تحقيق: عبدالرزاق المهدى، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٢٠.
- بيضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، تحقيق: محمد عبد الرحمن المرعشلى، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤١٨.
- بيهقى، احمد بن حسين، السنن الكبرى، هند، بى نا، ١٣٤٤.
- ترمذى، محمد بن عيسى(). سنن الترمذى تحقيق و تصحیح: عبدالرحمن محمد عثمان، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٣.

- شالبى، عبدالرحمن بن محمد، **جواهر الحسان فى تفسير القرآن**، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤١٨ق.
- شلبي نيسابورى، ابواسحاق احمد بن ابراهيم، **الكشف والبيان عن تفسير القرآن**، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٢٢ق.
- ثقفى تهرانى، محمد، **تفسير روان جاويد**، تهران، انتشارات برهان، ١٣٩٨ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، **وسائل الشیعه في تحصیل مسائل الشریعة**، تهران، بی‌نا، ١٣٨٥ق.
- حسکانی، عبیدالله بن احمد،  **Shawahed al-Tanzil li-Qawaid al-Tafseer**، بيروت، مؤسسه الاعلمى، ١٣٩٣ق.
- حسینی استرآبادی، سید شرف الدین علی، **تأویل الآیات الظاهرا**، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ١٤٠٩ق.
- حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، **تفسیر اثنا عشری**، تهران، انتشارات میقات، ١٣٦٣.
- درویش، محیی الدین، **اعراب القرآن و بیانه**، سوریه، دار الإرشاد، ١٤١٥ق.
- دعاس، حمیدان و قاسم، **اعراب القرآن**، دمشق، دارالمنیر و دار الفارابی، ١٤٢٥ق.
- دیلمی، حسن بن محمد، **ارشاد القلوب الى الصواب المنجى من عمل به من الیم العقاب**، قم، الشریف الرضی، ١٣٧١.
- ذهبی، شمس الدین، **تذكرة الحفاظ**، تحقيق: عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، بيروت، دار إحياء التراث العربی، ١٣٧٤.
- **سیر أعلام النبلاء**، تحقيق، إشراف و تحریج: شعیب الأرنؤوط، تحقيق: حسین الأسد، بيروت، مؤسسة الرسالة، ١٤١٣.
- **الكافش فی معرفة من له روایة فی الكتب الستة**، بيروت، دار الفکر، ١٤١٨.
- رشیدالدین میبدی، احمد بن ابی سعد، **كشف الأسرار و عدة الأبرار**، تحقيق: علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ١٣٧١.
- السمعاني، منصور بن محمد، **تفسير السمعاني**، تحقيق: یاسر بن ابراهيم و غنیم بن عباس بن غنیم، الرياض، دارالوطن، ١٤١٨ق.
- سیوطی، جلال الدین و سیوطی، محلی، **تفسير الجلالین**، بيروت، مؤسسه التور للطبعات، ١٤١٦.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، **الدر المنشور فی تفسیر المؤثر**، قم، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، ١٤٠٤.
- شوشتی، نورالله بن شریف الدین، **احقاق الحق و ازهاق الباطل**، با تعلیقات شهاب الدین مرعشی نجفی، قم، چاپ محمود مرعشی، ١٣٧٧.
- صفی، محمود عبدالرحیم، **الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه**، دمشق، دار الرشید مؤسسه الایمان، ١٤١٨.
- طباطبائی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ١٤١٧.
- طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج علی أهل اللجاج**، تحقيق: محمدباقر خرسان، مشهد، نشر مرتضی، ١٤٠٣.
- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ١٣٧٢.
- طبری، محمد بن جریر بن یزید، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بيروت، دارالمعرفة، ١٤١٢.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم، **دلائل الإمامة**، تحقيق: قسم الدراسات الاسلامية مؤسسة البعثة، قم، مؤسسة البعثة، ١٣٨٣.
- طنطاوی، سید محمد، **التفسیر الوسيط للقرآن الكريم**، قاهره، نهضة مصر، ١٩٩٧.
- طوسی، محمد بن حسن، **الأمالی**، قم: دارالثقافة، ١٤١٤.
- **التیبان فی تفسیر القرآن**، تحقيق: احمد قصیر عاملی، بيروت، دار احياء التراث العربی، بی‌تا.
- طیب، سید عبدالحسین، **تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، انتشارات اسلام، ١٣٧٨.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، **اهل بیت در آیه تطهیر**، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ١٣٧٩.
- عروسوی حوزی، عبدالعلی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، تحقيق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ١٤١٥.

- عسكري، مرتضى، **حديث الكسا في كتب مدرسة الخلفاء (و)** حديث الكسا في مصادر مدرسة اهل البيت<sup>٨</sup> ، تهران، ١٤٠٢ق.
- فخرالدين رازى، ابوعبدالله محمد بن عمر، **مفاتيح الغيب**، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٤٢٠ق.
- فرات بن ابراهيم بن فرات كوفي، ابوالقاسم، **تفسير فرات الكوفى**، تحقيق: محمدكااظم محمودى، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامى، ١٤١٠ق.
- فراهيدى، خليل بن احمد، **كتاب العين**، تحقيق: عبدالحميد هنداوي، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤٢٤ق.
- فيضى دكنى، ابوالفضل، **سواطع الإلهام فى تفسير القرآن**، تحقيق: سيدمرتضى آيت الله زاده شيرازى، قم، دار المنار، ١٤١٧ق.
- قاسمى، محمد جمال الدين، **محاسن التأويل (تفسير القاسمى)**، تحقيق: محمد باسل عيون السود، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق.
- قرشى، سيدعلى اكبر، **تفسير أحسن الحديث**، تهران، بنیاد بعثت، ١٣٧٧.
- قمى، على بن ابراهيم، **تفسير قمى**، تحقيق: سيد طيب موسوى جزایرى، قم، دار الكتاب، ١٣٦٧.
- قمى مشهدى، محمد بن محمدرضا، **تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب**، تحقيق: حسين درگاهى، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامى، ١٣٦٨.
- کاشانى، ملا فتح الله، **زبدة التفاسير**، تحقيق: بنیاد معارف اسلامى، قم، بنیاد معارف اسلامى، ١٤٢٣ق.
- **تفسير منهج الصادقين في إلزم المخالفين**، تهران، كتابفروشی محمدحسن علمي، ١٣٣٦.
- كرمى حويزى، محمد، **التفسير لكتاب الله المنير**، قم، چاپخانه علميه، ١٤٠٢ق.
- كليني، محمد بن يعقوب، **الكافى**، تصحيح: دارالحديث، قم، دارالحديث، ١٤٢٩ق.
- مجلسى، محمد باقر، **مرأة العقول في شرح اخبار آل الرسول**، تهران، دارالكتب الاسلامية، ١٤٠١ق.
- محمد بن مكرم، ابوالفضل جمال الدين، **لسان العرب**، بيروت، دار صادر، ١٤١٤ق.
- محمدى رى شهرى، محمد، **اهل بيت<sup>٨</sup> در قرآن و حدیث**، مترجم: رضا شیخى و حمیدرضا آژیر، قم، دارالحديث، ١٣٧٩.
- مِزَى، جمال الدين يوسف، **تهذيب الكمال في اسماء الرجال**، بيروت، چاپ بشار عواد معروف، ١٤٠٦ق.
- مصطفى، ابراهيم، عبدالقادر، حامد، حسن الزيات، احمد و محمد على التجار، **المعجم الوسيط**، تهران، مؤسسه الصادق للطباعة و النشر، ١٤٢٦ق.
- مكارم، ناصر، **تفسير نمونه**، تهران، دار الكتب الإسلامية، ١٣٧٤.
- ميرزا خسرواني، عليرضا، **تفسير خسروي**، تحقيق: محمدباقر بهبودى، تهران، انتشارات اسلاميه، ١٣٩٠ق.
- نجحوانى، نعمت الله بن محمود، **الفواتح الاليه و المفاتح الغيبة**، مصر، دار رکابى للنشر، ١٩٩٩.
- نيشابورى، ابوبكر عتيق بن محمد هروى، **تفسير سور آبادى**، تحقيق: على اكبر سعیدى سیرجانى، تهران، فرهنگ نشر نو، ١٣٨٠.
- نيشابورى، ابوعبدالله محمد بن عبدالله، **المستدرک على الصحيحین**، هند، بى نا، ١٣٤٢ق.
- نيشابورى، نظام الدين حسن بن محمد، **تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان**، تحقيق: شیخ زکریا عمیرات، ١٤١٦ق.
- واحدى، على بن احمد، **أسباب نزول القرآن**، تحقيق: کمال بسیونی زغلول، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١١ق.

## **Shia and Sunni Exegetes on the Manifestation of "Ahlulbayt" in Ayat al-Tathir\***

Sayyid Hasan Muhammadi \*

### **Abstract**

The manifestation of 'Ahlulbayt (AS) in Ayat al-Tathir (verse of purification) is one of the highly contentious and controversial issues among the two branches of faith. Given the ideological significance of this verse i.e. verse 33 of Chapter al-Ahzab, the researcher tries to investigate various concepts that may be inferred from the verse as well as the oral and contextual relationships and the opinions of the exegetes of the two major branches of faith, to identify the main and real concept of Ahlulbayt (AS) in Ayat al-Tathir. Some Sunni commentators and exponents have said that the term Ahlulbayt (household) refers to the causal relatives of the Prophet i.e. the wives of the Prophet (S), and some others believe that in addition to the Prophet's wives, Ali, Fatima, Hasan and Hussein, peace be upon them are also included. However, some Sunni scholars are of the view that only the five members of the Cloak are among the Ahlulbayt (AS) of the Prophet (S).

The writer concludes that the reasons and arguments presented by the exegetes of both branches of faith can be categorized into three traditional, literary and contextual categories. Sunnis have relied on reports from Umm Salamah, 'Aisha, 'Akramah while presenting their views and notions. They have examined the concept of Ahlulbayt (AS) and the pronouns used in verses 28 to verse 34, as well as the coherence and relationship of the verse in question with the preceding and following ones.

**Keywords:** Ayat al-Tathir, Ahlulbayt (AS), Aal-e 'Aba (members of cloak) and Infallibility.

---

\* Date of submission: 12/5/2017 Date of acceptance: 11/7/2017 .

\*\* Student of doctoral level, Islamic sciences teachers training, (Quran and Islamic Texts), Payam Noor University, Qom (hozeh\_rezaie@yahoo.com)